

رویه قضائی

رای شماره ۹۵ - ۱۰۷۱۰۷۲۶۲۵

ردیف - ۶۲ هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوانعالی کشور

اجاره بها در دادگاه های شهرستان و استان تهران موجود بوده و هست که طبق ماده ۱۳ قانون قبلی روابط مالك و مستأجر دادگاه برای تعیین میزان اجاره بها نسبت به آنها اقداماتی شده ولی تاکنون منتهی بصدور رای نگردیده است بطوریکه آقای رئیس دادگاه استان مرکز عنوان جناب آقای وزیر دادگستری گزارش نموده اند در طرز اقدام برای تعیین میزان اجاره بها نسبت به دادخواستهای رسیده قبل از وضع و تصویب قانون جدید بین آقایان قضات دادگاهها اختلاف نظر موجود است برخی معتقد هستند که نسبت بدعاوی راجع بتعیین میزان اجاره بها باید همان ماده ۱۳ قانون روابط مالك و مستأجر سال ۱۳۳۹ اجرا شود برخی دیگر برعکس اعتقاد دارند که نسبت به آن دعاوی چون تا بحال منتهی بصدور حکم نشده است باید ماده ۴ قانون جدید اجرا گردد و دو دسته دیگر از

بموجب ماده ۱۳ قانون روابط مالك و مستأجر مصوب سال ۱۳۳۹ در مورد اختلاف موجر و مستأجر نسبت بمیزان مال الاجاره دادگاه باید برای تعیین اجاره بها با تحقیق در عواملی که بموجب آن میتوان میزان اجاره بها را تشخیص داد و با ارجاع امر بکارشناس میزان اجاره بها را بنرخ عادلانه تعیین نماید ولی بموجب ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب تیرماه ۲۵۳۶ مقرر شده است که دادگاه با توجه به درصد شاخص کل بهای کالاها و خدمات خصوصی منتشر شده از طرف بانک مرکزی ایران حکم بتعدیل اجاره بها بدهد و این حکم قطعی است. بطوریکه ملاحظه میشود در چگونگی تشخیص میزان اجاره بها در دو ماده فوق الذکر اختلاف طریق وجود دارد که ممکن است مؤثر در تعیین میزان اجاره بها باشد. چون در تاریخ وضع قانون مؤخر تعداد کثیری پرونده های تعدیل

آقایان قضات محاکم به این عقیده هستند که قانون جدید برحسب مورد نسبت ببعضی از دعاوی قبلی قابل اجرا و نسبت ببعضی دیگر قابل اجرا نمی باشد و باین کیفیت در اتخاذ تصمیم دچار تشتت و اختلاف نظر هستند. لذا بمنظور رفع اختلاف نظر محاکم و اتخاذ رویه واحد در موضوع مورد بحث برحسب اعلام جناب آقای وزیر دادگستری طی شماره ۱/۱۵۲۵۱ - ۳۶۶۹ و در اجرای ماده ۲۰ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب خردادماه ۲۵۳۶ تقاضا دارم بموضوع رسیدگی و اعلام نظر فرمایند تا برای تعیین تکلیف پرونده‌های موجود بدادگاه‌های شهرستان و استانها ابلاغ شود.

نظرات تفصیلی و مختلف آقایان قضات دادگاه شهرستان و استان تهران نسبت بموضوع مورد بحث هنگام طرح آن در هیئت عمومی در دسترس خواهد بود.

دادستان کل دیوانعالی کشور
فلاح رستگار

رای شماره ۹۵ - ۳۶۷۱۰

بتاریخ روز یکشنبه دهم مهرماه ۲۵۳۶ هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست جناب آقای ناصر یگانه ریاست کل دیوانعالی کشور و با حضور آقای احمد فلاح رستگار دادستان کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوان عالی کشور تشکیل گردید پس از طرح و بررسی اوراق پرونده و قرائت گزارش و استماع عقیده جناب آقای دادستان کل کشور مبنی بر: نظر

باینکه بموجب ماده ۲۲ قانون موجر و مستأجر مصوب ۳۶ شاهنشاهی از تاریخ اجرای آن قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۳۹ (۲۵۱۹) شاهنشاهی) ملغی گردیده است و نظر باینکه طبق ماده اول قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۲۵۳۶ هر محلی که برای مسکنی یا کسب و یا پیشه یا تجارت یا بمنظور دیگری اجاره داده شده مشمول مقررات این قانون می باشد لذا نسبت بدعاوی که خواسته آن تعدیل اجاره بها باشد و در زمان حکومت قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۳۹ (۲۵۱۹) شاهنشاهی) اقامه شده و تا تاریخ اجراء قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۲۵۳۶ نسبت به آن حکم قطعی صادر نگردیده است باده ۴ قانون لاحق که مربوط باین موضوع میباشد لازم الاجرا بنظر میرسد خاصه اینکه نسبت بدعاوی مذکور مادام که منتهی بحکم قطعی نشده حق مکتسبی برای خواهان دعوی ایجاد نگردیده است. درخصوص گزارش جناب آقای دادستان کل به هیئت عمومی دیوانعالی کشور راجع بنحوه استنباط از ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۲۵۳۶ که آیا ماده مزبور شامل دعاوی که قبلا طرح شده و در جریان رسیدگی نیز خواهد بود یا نه و برحسب گزارش بااستناد ماده ۲۰ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۲۵۳۶ تقاضای طرح موضوع در هیئت عمومی شده و هیئت عمومی دیوانعالی کشور بر طبق قانون وحدت رویه با حضور ریاست و رؤساء و

مستشاران شعب در تاریخ ششم و نهم
مهرماه ۳۶ تشکیل جلسه داد و پس از
طرح موضوع و کسب نظر جناب آقای
دادستان کل مبنی بر شمول ماده ۴
قانون مزبور بدعاوی که قبلاً طرح
شده و در جریان رسیدگی است مشاوره
نموده با اکثریت چنین رأی داده است:

رأی هیئت عمومی دیوانعالی کشور

نظر باینکه طبق ماده یک قانون
روابط موجر و مستاجر مصوب سال

۲۵۳۶ هر محلی که برای مسکنی یا
کسب و پیشه اجاره داده شده نیز
مشمول آن قانون میباشد و بموجب ماده
۳۲ از تاریخ اجرای قانون مزبور قانون
روابط مالك و مستاجر مصوب ۱۳۳۹
(۲۵۱۹ شاهنشاهی) ملغی و منسوخ
است بنابراین ماده ۴ قانون روابط
موجر و مستاجر شامل دعاوی که قبل
از تصویب این قانون طرح شده و در
جریان رسیدگی است نیز خواهد بود.
این رأی طبق مقررات قانونی لازم-
الاتباع است.

ردیف ۳۴/۵۳ هیئت عمومی

رأی شماره ۵۱ - ۳۶۷۱۰

هیئت عمومی دیوانعالی کشور

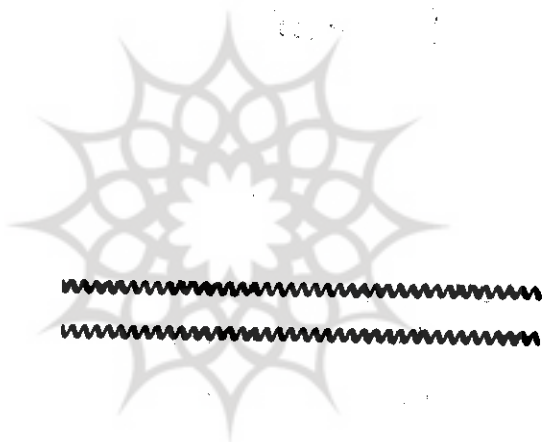
مازندران نسبت به تقاضای دو نفر که
علاوه بر مجازات اصلی به محرومیت از
حق رانندگی نیز محکوم شده اند تقاضای
موقوف الاجراء شدن این محکومیت را
وسیله دادسرای استان مازندران کرده
بودند و رأی مختلف صادر شده است
موضوع در جلسه هیئت عمومی مورخ
دوازدهم مهر ۲۵۳۶ مطرح و پس از
طرح و بررسی اوراق پرونده و قرائت
گزارش و استماع عقیده جناب آقای
دادستان کل کشور مبنی بر محرومیت
از حق رانندگی.

موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات
رانندگان مشمول مقررات تبصره ۵
ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی نیست.

بموجب تبصره ماده ۱۹ قانون
مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ کسانی که
بموجب حکم قطعی دادگاه علاوه بر
مجازات اصلی... محرومیت از بعضی
یا تمام حقوق اجتماعی تبعاً یا مستقلاً
یا بطور تکمیلی محکوم میشوند در
صورتیکه حین اجرای حکم یا آثار تبعی
از خود حسن اخلاق نشان دهند بنا به
پیشنهاد دادستان مجری حکم دادگاه
صادرکننده حکم میتواند مدت محکومیت
از بعضی یا تمام حقوق اجتماعی را
تقلیل داده یا تمام یا قسمتی از مجازاتها
و اقدامات تأمینی مزبور را موقوف
الاجراء نماید در اجرای این تبصره
شعبه اول و شعبه دوم دادگاه جنائی

رای هیئت عمومی دیوانعالی کشور
چون اختیار دادگاه برحسب پیشنهاد
دادستان مجری حکم راجع به تقلیل مدت
یا موقوف الاجراء نمودن تمام یا قسمتی
از مجازاتهای تبعی و یا تکمیلی یا
اقدامات تأمینی بشرح و کیفیات مندرج
در تبصره ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی
اصلاحی مصوب ۱۳۵۲ محدود به همان
مجازاتها و اقدامات تأمینی است که در

تبصره مزبور بآنها اشاره شده لذا
محرومیت از حق رانندگی از شمول
تبصره ماده ۱۹ قانون مذکور در فوق
خارج بوده و موجبی برای موقوف-
الاجراء ماندن مجازات مزبور نمیباشد
این رای طبق ماده ۳ اضافی به قانون
آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷
برای دادگاهها در موارد مشابه لازم-
الاتباع است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی